

تکیه‌های شهر گرگان

محمد انصار^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

چکیده

تکیه در لغت، به معنی پشت به چیزی گذاشتن است. در گرگان، ساختمان‌های کوچکی در محلات قدیمی است که دهه اول ماه محرم، در آنجا برنامه عزاداری امام حسین علیه السلام و یاران او، برگزار می‌شود. تکیه‌ها بازوی کمکی برای سایر اماکن مذهبی مانند مساجد، هیأت و امامزاده‌ها هستند. اگر تکیه‌ها نبود مردم با کمبود فضا روبه‌رو می‌شدند. در شهر گرگان تکیه و حسینیه، دو مکان کاملاً جداگانه‌ای هستند. در حالی که در برخی شهرها، آنها دو واژه مترادف و هم معنی هستند. این جستار در تلاش است تا با نگاهی گذرا در جهت آشنایی با تکیه‌های شهر گرگان قدمی بردارد.

کلیدواژه‌ها: تکیه، حسینیه، محرم، عزاداری، گرگان.

مقدمه

در ماه محرم از تکیه/تکیه‌ها برای مراسم سوگواری اباعبدالله الحسین علیه السلام و در سایر

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان. ansardaneshoo@chmail.ir

ایام، به جز تکیه‌های محله دوشنبه‌ای، برای امور تجاری، خدماتی، مسکونی و نظایر اینها بهره گرفته می‌شود. یعنی آنها در سایر مناسبت‌های مذهبی و ملی، برنامه‌ای ندارند و هیچ‌گونه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در تکیه‌ها انجام نمی‌شود. البته بنابر یک گزارش تاریخی (مورخ ۱۹ نوامبر سال ۱۹۱۷ و ۲۱ می سال ۱۹۰۸) سربازان را برای استراحت، به تکیه نعلبندان بردند (افشار، ۱۳۶۳: ۴۲/۱، ۵۶۲/۲). با تبدیل این تاریخ‌ها به سال قمری، معلوم می‌شود که آن زمان، ماه محرم نبوده است. از تاریخ، علت پیدایش تکیه‌ها و ارتباط معنای لغوی با اصطلاحی آن، چیزی نمی‌دانیم. نام تکیه‌ها، در کتیبه‌ها و وقفنامه‌های قدیمی آمده است:

۱- تکیه محله نعلبندان، کتیبه‌ای داشت که بر روی آن، سال ۱۲۰۱ ق نوشته شده بود (رایینو، ۱۳۸۳: ۲۷۴، ۲۷۵). امروزه اثری از آن نیست. احتمالاً منظور از این تکیه، همان پیرتکیه این محله است.

۲- هانری ماسه، از خاورشناسان فرانسوی، بر اساس کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۰۲ ق می‌نویسد: «در این ناحیه، صحن تکیه‌ای برای اجرای مراسم سوگواری امام حسین ساخته شد» (بلوکباشی، ۱۳۸۷: ۱۰۳/۱۶). احتمالاً منظورش، همان کتیبه بالا است و تاریخ‌ها یکسال، جابجا شده است.

۳- پیرتکیه محله میخچه‌گران، کتیبه‌ای به سال ۱۲۳۲ ق دارد که در همانجا نصب شده است.

۴- در سال ۱۲۶۳ ق، برای سوگواری در سه تکیه شهر استرآباد، موقوفاتی در نظر گرفته شده بود (ذبیحی، ۱۳۵۴: ۵۲۷/۷).

۵- در سال ۱۲۸۵ ق، چهار دانگ و نیم یک باب دکان، برای سوگواری ماه محرم، وقف بر پیرتکیه محله سرچشمه شد.

شاید اسناد دیگری، پیش از این تاریخ‌ها، داشته باشیم و هنوز به دست ما نرسیده باشد. همچنین ممکن است که تا پیش از این تاریخ، ساختمان آنها بوده باشد اما کاربری دیگری داشتند. با استناد به این تاریخ‌ها، می‌توانیم بگوییم که شهرگران از اوایل قاجار (اوایل سده سیزدهم هجری) تکیه دارد. اما اینکه، آیا پیش از این دوره هم،

تکیه‌ای بوده است یا خیر؟ بر ما پوشیده است.

سیاحان و گزارش نویسان دوره قاجار مانند مکنزی، میرزا ابراهیم، ملگونف و دمرگان، درباره اماکن مذهبی مانند مساجد و امامزاده‌های شهر استرآباد نوشتند، اما درباره تکیه‌ها، چیزی نگفتند. دلیل آن روشن نیست. در حالی که با استناد به موارد بالا، تکیه‌ها در زمان آنها بودند. گرگان، حدوداً ۱۶۰ سال پیش، ۱۳ تکیه داشت که نام‌شان، همان نام محلات بود (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۲۴). البته تکیه‌های دیگری مانند تکیه محله سرچشمه در دوران او بوده‌اند که نامشان را نیاورده است.

در گذشته، جمعیت شهر، کم بوده و به اندازه‌ی کافی، مسجد بود. با این حال تکیه‌ها در محلات ساخته شدند. در سال ۱۲۳۹ شهر استرآباد، ۴۷ تا مسجد داشت و جمعیت شهر، به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسید (ملگونف، ۱۳۷۶: ۱۴۶). یعنی به ازای هر ۲۵۰ نفر، یک مسجد بود. اما در سال ۱۳۸۸، شهر گرگان، ۲۷۳ مسجد داشت و جمعیت آن ۲۷۴۴۳۸ نفر بود (سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۸۹: ۷۶، ۶۵۴). یعنی به ازای هر ۱۰۰۵ نفر، یک مسجد هست.

تکیه‌ها

در شهر گرگان، تکیه‌هایی با نام یکسان به شرح زیر داریم و بقیه به نام اصناف و افراد هستند.

۱- پیرتکیه

قدیمی‌ترین تکیه هر محله‌ای، پیرتکیه نام دارد. این مطلب را از تاریخ شفاهی و معنای واژه پیر (کهنه، قدیمی، باسابقه) می‌گوییم. البته برخی محلات مانند پاسرو، شاهزاده قاسم و میرکریم، پیرتکیه ندارند. در این نوع تکیه، همه می‌توانند بروند. گاهی در تکیه‌های دیگر، کودکان را بدون بزرگترها، راه نمی‌دهند! از این جهت، پرجمعیت‌ترین تکیه هر محله‌ای است. سه تا از پیرتکیه‌های مهم عبارتند از:

الف) پیرتکیه محله میخچه‌گران که کتیبه‌ای نصب شده دارد و متن آن، قصیده‌ای ۹ بیتی است. ماده مستخرج از آخرین مصراع این شعر (میخچه‌گران کربلا آمده) سال

۱۲۳۲ق (اواسط دوره فتحعلی شاه قاجار) می شود. اکنون متولی این پیرتکیه، محمد کریم بلند است.

ب) پیرتکیه محله سبزه مشهد که نشانه ویژه‌ای دارد که هنوز مانند آن را در جای دیگری نیافتیم. چند سال پیش، هنگام مرمت و احیاء آنجا، سنگ مزاری را از زیر سکویس بیرون آوردند که درباره آن، کسی چیزی ننوشته و نشنیده است. آن سیاه رنگ، ارتفاعش حدوداً یک متر و ۲۰ سانتی متر، نوکش تیز، کلفت، سنگین و محکم است. بلند کردن آن، آسان نیست. با پیشینه بالایی که داشته و سال‌ها در زیر خاک، پنهان شده بود، چندان آسیبی ندیده است. از نوع ایستاده است. یک روی آن، مشخصات متوفا و اشعاری آمده است که چندان خوانا نیست. اگر تاریخ وفاتش خوانده شود، می‌توانیم به نتایجی برسیم. بر روی دیگر، دعای ناد علیاً و نام معصومین نوشته شده است. جنس و ارتفاع آن، می‌رساند که او از اشخاص مهم، بوده است، زیرا سنگ مزار افراد عادی، بزرگ و باشکوه نیست. نکته مهم اینجاست که بیشتر مردگان در کنار امامزادگان (عبدالله، نور و...) یا مساجد (سرپیر، جامع و...) و یا بیرون از شهر به خاک سپرده می‌شدند، اما او در کنار پیرتکیه و درخت چنار سبزه مشهد، آرمیده است. شاید گورستان امامزاده مرادبخش (واقع در غرب پیرتکیه)، تا اینجا ادامه داشته و این مزار در درون آن بوده است. سال‌هاست که این گورستان، از بین رفته و تنها ده سنگ مزار کنار ضریح، بجای مانده است. اکنون متولی این پیرتکیه، سید محمدعلی مدنی است.

ج) پیرتکیه سرچشمه، دو طبقه بوده و موقوفات خوبی دارد. مثلاً در سال ۱۲۸۵ق، چهار دانگ و نیم یک باب دکان از سوی حسینعلی عطار (پیوست ۲، سند موجود در کتابخانه میرداماد گرگان با شماره ۱۹۴۰) و در سال ۱۲۷۱ق چند خانه در محله سبزه مشهد از سوی مردی به نام حاج محمد باقر، برای آنجا وقف شد. البته این خانه‌ها، قبلاً باغ بوده و سپس به خانه تبدیل شدند (انصار، ۱۳۹۵: ۸۵، ۸۶). آشپزخانه مجزایی دارد که در سال ۱۳۰۷ق از سوی محمد مهدی تاجر فرزند محمدولی (از اجداد خانواده‌های علاءالدین) وقف آنجا شد. در سال‌های اخیر هم یک خانه از سوی خانم میرصادقی وقف آنجا شد. اکنون متولی این پیرتکیه، محمد هادی علاءالدین است.

۲- جوانان

در دوره معاصر، تکیه‌های جدیدی ساخته شدند و نامش را جوانان گذاشتند. در سال ۱۳۴۰ در محلات سبزه‌مشهد و دربند و همچنین در سال ۱۳۴۹، در محله میدان، تکیه‌ای با این نام، کار خود را آغاز کردند. محله سرچشمه هم، تکیه‌ای با این نام دارد که به آن، تکیه بنی‌کمالی‌ها گفته می‌شود. از چند دهه پیش، سید حبیب بنی‌کمالی و سپس فرزندش (سید مجتبی) و خواهرزاده‌اش (حاج ولی حاج کریم) آنجا را مدیریت می‌کردند. بنابر اطلاعیه‌ای که در آنجا نصب شده بود، هزینه‌های آنجا، از موقوفات آقایان یوسف شاهرودی و سید احمد صدر فرزند میرمحمد رضا پرداخت می‌شود. صدر از خاندان بنی‌کمالی است.

۳- وصافی یا گوشواره

به تکیه‌ای که در طبقه بالای گذر ورودی به محله دیگر و یا متصل به پیرتکیه شده «گوشواره» یا «وصافی» می‌گویند. این نام از قدیم تاکنون، در میان مردم به یادگار مانده است. نام تکیه وصافی در یکی از وقفنامه‌ها (به تاریخ ۱۲۹۳ق) آمده است (اخوان مهدوی، ۱۴۰۰: ۹۷).

۴- سقاخانه

تکیه‌هایی که در کنار سقاخانه و یا در جای آن ساخته شدند، سقاخانه نام دارند که نمونه‌ای از آن را در محله‌های میخچه‌گران، نعلبندان، پاسرو، سرپیر و دربند مشاهده می‌کنیم. از معروف‌ترین آنها در شهر استرآباد (گرگان)، سقاخانه امام قلی خانی بود. امروزه جز یک کتیبه، به ابعاد حدوداً یک متر در ۷۰ سانتی‌متر، چیز دیگری از آن به جای نمانده است. رابینو (۱۳۸۳: ۲۸۰) متن آن را یادداشت کرده است. در آنجا آمده که حاکم شهر استرآباد برای پادشاه، سقاخانه‌ای نو در استرآباد ساخت که برابر با اول ماه محرم بود. این مکان به تکیه تبدیل شده است. امروزه آن را با نام تکیه زینعلی و زمانی هم می‌شناسند.

۵- عباسخانی

این نام را در چند محله مشاهده می‌کنیم. یکی از گزارشگران قدیمی می‌نویسد:



«تکیه محله سرپیر معروف به عباسخانی است» (قورخانچی، ۱۳۶۰: ۲۴). در برخی از اسناد، جای تکیه عباسخانی را محله سبزه مشهد (انصار، ۱۳۹۵: ۲۰۶) یا میدان گفته‌اند. با همین نام، تکیه‌ای در شهر ساری وجود دارد.

۶- گروه‌های صنفی

برخی اصناف، تکیه دارند. بنیانگذار تکیه رانندگان، در محلات دربنو، نعلبندان و میخچه‌گران، رمضان کلاتری بود (اخوان مهدوی، ۱۳۸۹: ذیل تاریخ ۳۰ شهریور). تکیه درودگران حدوداً در سال ۱۳۴۰ در بالای پیرتکیه محله سبزه مشهد به کوشش خانواده‌های شامبیاتی و پارسا راه‌اندازی شد.

۷- نیکوکاران

تکیه‌هایی به کوشش مردم نیکوکار ساخته شدند و دورتادور میدان یا مرکزهای محلات قدیمی را فرا گرفتند و روز به روز بیشتر شدند. علت گسترش تکیه‌سازی در گرگان، این بوده که از افتخارات شمرده می‌شد و جایی برای گردهمایی‌های خانوادگی و دوستانه است. مردم از جاهای دیگر می‌آمدند، در آنجا شب‌نشینی داشتند. حتی خانواده‌های غیرگرگانی هم، تکیه‌دار شدند. مانند آل‌هاشم (پاسرو)، عرب احمدی (شاهزاده قاسم)، احسانی (دوشنبه‌ای).

محل‌هایی که میدان‌گاهی ندارند، تکیه‌ای هم ندارند. مانند محلات شیرکش، باغشاه و چهارشنبه‌ای.

گاهی برای محدودیت فضا، وادار شدند تا تکیه‌هایی در مکان‌های خاصی بسازند. مثلاً خانواده طاهری در محله میدان متصل به مسجد حاج آقا کوچک تکیه‌ای ساختند. در محله سبزه مشهد متصل به قدیمی‌ترین درخت چنار باقیمانده شهر استرآباد تکیه‌ای یک طبقه به کوشش کربلایی کریم حمامی ساخته شد که به آن تکیه وصل به چنار می‌گفتند. حدود ۵۰ سال پیش، آن را ویران کردند و به جای آن، تکیه‌ای دو طبقه ساختند که دیوارهای آن به تنه درخت چسبیده است. طبقه اول آن با نام نهفته و طبقه دوم را با نام شفیع می‌شناسند. همچنین برخی از جاها مانند خانه عابدی در محله

سبزه مشهد و مسجد الاقصی در محله سرچشمه، به تکیه تبدیل شدند. یعنی بنای نخست آنها، برای چیز دیگری بوده است. گاهی بانیان آنها، یک یا چند خانواده بوده‌اند و در همان محله تکیه‌های شان زندگی می‌کردند. مانند تکیه متصل به سقاخانه محله سبزه مشهد که متولیان آن، خانواده‌های خراسانی، پورعلی و صادقی هستند. همچنین تکیه باقری‌ها در محله نعلبندان. خانواده پوراکبر در چندین محله، تکیه دارند. آنها اهل محله پاسرو بودند و همان جا تکیه‌ای داشتند. پس از زلزله سال ۱۳۲۳، در محلات سرپیر و شاهزاده قاسم، تکیه‌دار می‌شوند (گفتگو با علی پهلوانی فرزند حجت، از نوادگان خانواده پوراکبر، مرداد سال ۱۴۰۰).

از آفات خانوادگی شدن تکیه‌ها، این است که دیگران از حضور در آنها، شرم دارند. متأسفانه برخی، درب‌شان را به روی دیگران می‌بندند و تنها از بستگان و دوستان خودشان، پذیرایی می‌کنند. تنها محله‌ای که تکیه‌های خانوادگی و یا با نام‌های مشترک گفته شده، ندارد، دباغان است.

تکیه‌ها در گذر زمان

دو تکیه بود که امروزه، اثری از آنها باقی نمانده است. نخست تکیه بلوچ که در شرق پارک شهر گرگان قرار داشت که به آن تکیه حاجی ملارضا نیز می‌گفتند. یک سینی از جنس آلیاژ برنج داشت که در سال ۱۳۱۳ ق وقف شده بود که به طوق مسجد حضرت امیر (واقع در ابتدای خیابان ولیعصر) بسته می‌شود. این تکیه، در اوایل دوره رضاشاه از بین رفت (معطوفی، ۱۳۹۸: ۳۱، ۳۴). دوم تکیه دولت یا شاهنشاه است که دوره ناصرالدین شاه ساخته شد. همانند سایر تکیه‌های شهر نبود. از آن، برای گردهمایی دسته‌های سینه‌زنی و یا تعزیه‌خوانی بهره گرفته می‌شد. در محله باغشاه (شمال پارک شهر) قرار داشت.

مکان قبلی برخی تکیه‌ها با مکان گذشته آنها تفاوت دارد. تکیه‌های محله دباغان در نزدیک برج و باروی شهر استرآباد (شرق تکیه‌های فعلی) بود که آنها از بین رفتند و به مکان کنونی آمدند. برخی تکیه‌های دیگر، با خیابان‌سازی که در دوره پهلوی انجام شد،

از بین رفتند. بنابراین مردم آن تکیه‌ها را، جای دیگری ساختند. مانند تکیه‌های محله پاسرو که در سال ۱۳۲۳ و تکیه محله میرکریم که در حدود سال ۱۳۳۵ به مکان کنونی آمدند. همچنین تعدادی از تکیه‌های محله میدان (حدوداً در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰) به آن سوی خیابان رفتند.

صحن تکیه‌ها تقریباً یکسان هستند. با توجه به هوای منطقه، کف آنها یک متر بالاتر از سطح زمین است. از نظر تزئینات درونی و بیرونی، مانند تکیه‌های سایر شهرهای ایران و حتی مساجد و حسینیه‌ها نیستند. آنها کاملاً ساده هستند در دوره‌ای، درب و پنجره چوبی داشتند. سقف آنها سفالی بود. سپس درب و پنجره‌های آهنی و آلومینیومی گذاشتند. برای سقف‌شان از حلب و ایرانیت استفاده کردند. تنها محله‌ای که همه تکایای او، سقف سفالی دارند، محله دوشنبه‌ای است.

به غیر از مساجد، امامزاده‌ها، هیأت‌ها و حسینیه‌های شهر، هر محله‌ای یک یا چند طوق یا علم دارند که آنها را در عصر یک روز معین شده، به تکیه‌ها نصب می‌کنند و باقی تکیه‌ها، در بستن آنها کمک می‌کنند. مثلاً در محله سبزه‌مشهد، به پیرتکیه سه طوق و به تکایای جوانان، میرعابدین و نقاره‌چیان هر کدام یک طوق بسته می‌شود. در سال‌های اخیر، تکایای نونهال و درودگران هم به آنها اضافه شدند. لذا تکایای محله سبزه‌مشهد، بیشترین طوق را در میان محلات گرگان دارند.

در نامه‌ای که در سال ۱۳۴۱ رئیس اداره اوقاف شهرستان گرگان و دشت نوشت (پیوست ۶ و ۷، سند موجود در کتابخانه ملی ایران با شماره ۵۱۱۶/۲۵۰، سال ۱۳۴۱)، گفته شده که تعداد تکیه‌های شهر، ۹۹ مورد است. اما بنابر آخرین آمار (صابری، ۱۳۹۲: ۲۵) به تعداد سوره‌های قرآن کریم (۱۱۴) هستند. محله نعلبندان و دباغان به ترتیب بیشترین و کمترین تکیه را دارند.

پیش از آغاز ماه محرم، اداره اوقاف و امور خیریه با متولیان تکیه‌های وقفی، جلسه هماهنگی می‌گذارد. هر محله‌ای هم، جلسات ویژه‌ای برای خودشان خواهند داشت، تا مراسم به خوبی برگزار شود. مدیریت تکیه‌ها با مردم است. اداره یا نهادی در آن، دخالتی ندارد. یکی از تکیه‌ها، مرکز مدیریت، برگزاری جلسات، استقبال از دسته‌ها، محل

نگهداری لوازم ماه محرم و... می شود. متولیان، پیش از محرم، تکیه ها را تمیز و سیاهپوش می کنند. از غروب آفتاب، کارشان برای پذیرایی آغاز می شود و تا نیمه های شب، ادامه دارد. هر شب، حداقل ۵۰ پرس، پلو مرغ یا سبزی پلو، درست می کنند. گاهی به خاطر فضای کوچکشان دو یا سه نوبت، برنامه پذیرایی دارند. برخی در روزهای تاسوعا و عاشورا نهار می دهند.

از قدیم تکیه ها، ویژه مردان بوده است. این یک تصمیم مردمی است و کسی به عدم حضور زنان، اشاره ای نکرده است. چند دلیل می تواند داشته باشد: ۱- احتمالاً امنیت نبود. زیرا تکیه ها در شب مراسم دارند. ۲- فضای تکیه ها کوچک و بدون حیاط است. حداکثر گنجایش ۵۰ نفر را دارند. حتی برخی از آنها آشپزخانه ای ندارند و غذا را در جای دیگری پخت می کنند و یا اینکه از رستوران یا هتل می آورند. هزینه های تکیه ها از سه محل پرداخت می شود:

۱- برخی موقوفه ای مانند باغ، خانه، زمین کشاورزی، مغازه و... دارند که از منافع آن، بهره می برند. گاهی متولی آنها عام (اداره اوقاف) هستند، در غیر این صورت، متولی خاص (شخص معین) دارند که نسل به نسل به دیگران منتقل می شود. تکیه پاسرو موقوفات زیادی داشت که یکی از آنها زمین بزرگی به نام توت لته بود که شامل بخش شرقی استادایوم فوتبال کنونی، خیابان حاشیه آن تا تالار فخرالدین اسعد گرگانی کنونی می شد (معطوفی، ۱۳۹۴: ۷۹۷/۲).

۲- برخی با اجاره تکیه، این کار انجام می دهند. نعلبندان تنها محله ای است که از بیشتر تکیه ها و میدان آن، برای امور تجاری استفاده می شود.

۳- برخی تکیه ها، خیلی کوچک هستند، در جای مناسبی قرار ندارند و آنجا را اجاره نمی کنند و یا اینکه هزینه اجاره آنها کم است و برای مخارج تکیه، کافی نیست. لذا برخی نیکوکاران به صورت نذری یا جهادی، هزینه ها را می دهند. کمتر دیده شده که درب تکیه ای به دلیل مشکلات مالی بسته شود.

مدت پذیرایی، بستگی به وقفنامه، سنت و بودجه هر تکیه ای دارد. برخی سه شب و برخی دیگر تا ۱۵ شب برنامه دارند. البته در سال های دور، یکی از تکیه های محله

سبزه مشهد در تمام ماه محرم و صفر، عزاداران حسینی را اطعام داد. بیشتر تکیه‌ها، تنها برنامه پذیرایی دارند. البته برخی مراسم نوحه خوانی، روضه خوانی، زیارت عاشورا و ... دارند. مراسم گسترده سوگواری در میدان محلات انجام می‌شود. مردم از درون تکایا همراهی می‌کنند. از سال ۱۳۹۹ش به دلیل بیماری کرونا، برنامه پذیرایی و عزاداری در تکیه‌ها تعطیل شد. درب برخی مکان‌ها بسته شد و برخی دیگر، غذا را در بیرون از تکیه، پخش می‌کردند. تکیه رانندگان (محلہ دربنو) و زیادلو یا معمارباشی (محلہ نعلبندان) هزینه‌ها را برای درمان بیماران کرونایی خرج کردند. شیوع این بیماری، بر روی طوق‌بندان تکیه‌ها اثر گذاشت. مثلاً تکایای محلہ دربنو و میرعابدین محلہ سبزه مشهد، طوق‌های شان را نبستند.

این درآمدها بیشتر صرف هزینه‌های پذیرایی می‌شود و به امورات دیگر نمی‌رسد. اکنون بیشتر تکیه‌های شهر، فرسوده شده‌اند. نسبت به ۵۰ سال پیش، هیچ‌گونه تغییری نداشتند تا جایی که باعث دردسر شدند. مثلاً در سال ۱۳۹۶ به خاطر فرسودگی چوب‌ها، تکیه‌های بخش شمالی محلہ میدان، آتش گرفتند. لذا این تکیه‌ها از بین رفتند و تاکنون دوباره ساخته نشدند.

از سال ۱۳۹۴ بهسازی، زیباسازی و مرمت تکایا، متناسب با معماری گرگان زیر نظر شرکت عمران و بهسازی شهر ایران و با مدیریت دفتر احیای بافت تاریخی گرگان، آغاز شد. نخستین آن، تکیه دوشنبه‌ای و میرعابدین محلہ سبزه مشهد بود. سپس این کار در محلات پاسرو، دربنو و سرچشمه انجام شد. برخی از تکیه‌ها، مرمتی جامع و کامل و برخی دیگر، قسمت بیرونی آن انجام شد. این کار خوب، که به تکیه‌ها اعتبار داده، میلیاردها تومان هزینه داشت و هنوز بازسازی تکیه‌های هشت محلہ دیگر، انجام نشده است. در این بازسازی‌ها، محلہ پاسرو، از همه محلات دیگر، بهره بیشتری برده است، زیرا تکیه‌های آنجا فرسوده شده بودند. نزدیک بود که درب آنجا بسته شود و ارزش و اعتبار محلہ از بین برود.

نتیجه

محلات قدیمی شهر گرگان، با تکیه‌هایش شناخته می‌شود. آنها با سایر تکیه‌های

شهرهای ایران از نظر تعدد، وسعت، موقعیت، مدیریت و کاربری تفاوت دارند. باتوجه به پیشینه و قدمت، هنوز ثبت ملی نشده‌اند. دلیل تعددشان در روزگارهای دور، چندان روشن نیست. در نگاه اول، ممکن است آن را باعث تفرقه بدانیم اما هرگز اینگونه نبوده است. بلکه هدف بنیانگذاران، مشارکت بیشتر در عزاداری، گردهمایی خانوادگی و شاید تفاخر بوده است. البته درگذشته ساخت تکیه، کم هزینه بود. با اینکه در حسینیه‌ها و مساجد شهر، برنامه پذیرایی هست، اما گرگانی‌های قدیمی از مکان‌های گوناگون به آنجا می‌آیند تا با یکدیگر دیدار کنند و از بافت تاریخی شهر دیدار کنند.

منابع

- اخوان مهدوی، محمود (۱۳۸۹)، سرسید استرآباد، گرگان، پیک ریحان.
- _____ (۱۴۰۰)، «نگاهی اجمالی به آیین‌های نمایشی استرآباد»، فصلنامه میرداماد، شماره ۲۵.
- افشار، ایرج و محمدرسول دریاگشت (۱۳۶۳)، مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینقلی مقصودلو (وکیل الدوله)، تهران، نشر تاریخ ایران.
- انصار، محمد (۱۳۹۵)، محله سبزه‌مشهد گرگان، گرگان، پیک ریحان.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۷)، «تکیه»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ذبیحی، مسیح و منوچهر ستوده (۱۳۵۴)، از آستارا تا استرآباد (جلد ششم و هفتم)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- رایینو، یاسنت لوئی (۱۳۸۳)، مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سالنامه آماری استان گلستان (۱۳۸۹)، به کوشش استانداری گلستان، گلستان، معاونت برنامه‌ریزی؛ اداره کل آمار و اطلاعات.
- صابری، محمد (۱۳۹۲)، آیین سوگواری محرم و صفر در بافت قدیمی محلات گرگان،

گرگان، مؤلف.

- قورخانچی، محمدعلی (۱۳۶۰)، نُخبه سیفیه، تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.

- معطوفی، اسدالله (۱۳۹۸)، تاریخ معاصر گرگان (استرآباد)، گرگان، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- _____ (۱۳۹۴)، سیر تاریخی معماری ۶۰۰۰ ساله گرگان و استرآباد، تهران، سفیر اردهال.

- ملگونف، گریگوری (۱۳۷۶)، کرانه‌های جنوبی دریای خزر یا استان‌های شمالی ایران، ترجمه امیرهوشنگ امینی، تهران، انتشارات کتاب سرا.

